

بازنگری در تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی

دکتر غلامرضا حیدری^۱

چکیده

برای حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. این گوناگونی در مورد هریک از اصطلاحاتی که در دامنه این حوزه قرار دارد، مانند کتابداری، سندداری، و اطلاع‌رسانی هم صدق می‌کند. در این مقاله، تعاریف هریک از اصطلاحاتی که به‌عنوان اسامی حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی بیشتر کاربرد داشته و دارد، یک‌بار به‌صورت مجزا و در آخر هم با عنوان کلی حوزه «کتابداری و اطلاع‌رسانی» مورد تجزیه و تحلیل و بازنگری قرار گرفته و این بازنگری تنها به تعاریف لغوی محدود نشده، بلکه مسائل زیرین و الگوی نهان کتابداری و اطلاع‌رسانی (جنبه‌های نامرئی و مسائل مطرح شده در این حوزه) هم مورد توجه قرار گرفته است. در طبقه‌بندی تعاریف و تحلیل بسامد واژه‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده و با مطالعات تکمیلی و تأمل بر وجوه افتراق، اشتراک، و وجوه مشخصه کتابداری و اطلاع‌رسانی، در هریک از تعاریف، دامنه و قلمرو آنها، سعی شده است ماهیت کتابداری و اطلاع‌رسانی به گونه‌ای عمیق مورد مذاقه قرار گیرد. در نهایت، تعریفی از کتابداری و اطلاع‌رسانی ارائه شده که نمایانگر الگوی آشکار حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است و الگوی نهان آن به‌عنوان مکمل این تعریف در قالب ویژگی‌ها و وجوه مشخصه کتابداری و اطلاع‌رسانی تشریح شده است.

کلیدواژه‌ها

کتابداری و اطلاع‌رسانی، تعریف، ماهیت، کتابداری، سندداری، اطلاع‌رسانی، علم اطلاعات، بازنگری.

مقدمه‌ای بر کتابداری (مبانی کتابداری، کتابخانه و کتابداری، یا هر نام مترادف دیگر) است که در نیمسال اول تحصیلی، به

مقدمه، بیان مسئله، و ضرورت پژوهش نخستین جایی که بحث تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی باید در آن مطرح شود، درس

۱. عضو هیئت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز ghaidari@yahoo.com

دانشجویانی که تازه به این حوزه وارد شده‌اند، ارائه می‌گردد. دانشجویانی که چه‌بسا بسیاری از آنان اصولاً شناختی نسبت به این حوزه و دانش مربوط به آن ندارند و برای اولین بار است که با مفهوم «کتابداری و اطلاع‌رسانی» روبه‌رو می‌شوند. مشکل هنگامی بیشتر نمود پیدا می‌کند که حتی مدرسان این حوزه هم در تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی فقط به جنبه‌های محدودی از وظایف و کارهایی که در این حوزه انجام می‌شود تأکید می‌کنند، در حالی که تعریف با وظیفه متفاوت است. این افراد بیشتر بر جنبه‌های عملی و کاربردی این زمینه از دانش، تأکید می‌کنند و از شناخت ابعاد و زوایای تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی، که به راحتی هم میسر نمی‌شود، چشم می‌پوشند. دانشجویی که تازه به این حوزه وارد شده از ترم اول متوجه می‌شود که نمی‌تواند در پاسخ به سؤالات بی‌شماری که از او درباره رشته‌اش پرسیده می‌شود، تعریف روشن و جامعی ارائه کند و این مشکل همچنان تا سطوح بالا باقی می‌ماند و هرکجا از او پرسیده می‌شود کتابداری و اطلاع‌رسانی چیست؟ چه کارهایی انجام می‌دهد؟ چگونه دانشی است؟ حوزه‌های پژوهشی آن کدام‌اند؟ و بسیاری سؤالات دیگر، در پاسخ باز می‌ماند. هرچند نباید گناه این قصور را به صورت تمام و کمال متوجه کتابداران دانست، اما به هر حال این مشکلی است که گریبان‌گیر متخصصان این حوزه شده و ضرورت پژوهش بیشتر در این زمینه را آشکار می‌کند.

با توجه به عدم توافق صاحب‌نظران حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی در مورد یک تعریف خاص از حوزه خود، به نظر می‌رسد تعاریف موجود از حوزه کتابداری، سندداری، و اطلاع‌رسانی، جامع و کامل نیست و حد و مرز هریک از این اصطلاحات به روشنی تعریف نشده است. از طرفی، محدود کردن تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی به ویژگی‌های عملی یا چند ویژگی دیگر، ممکن است دلسردی افراد نسبت به این حوزه را به دنبال داشته باشد. بنابراین، تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی را باید گسترش داد و آن را از ضیق و محدودیت رها کرد. باکلند، اذعان می‌کند تلاش برای تعریف خیلی دقیق و محدود درباره کتابداری کاری غیرضروری و نابخردانه است و با گسترش تعریف کتابداری و رهایی آن از محدوده تنگ کتابخانه شاید مجبور شویم تعریف گسترده‌تری از کتابداری به عمل آوریم که موضوعات دیگری را هم شامل شود. آیا این منطقی است که خواندن کتاب‌های کتابخانه را بررسی کنیم، اما خواندن کتاب‌های دیگر را مورد سنجش قرار ندهیم؟ (۲: ۴۶).

مقایسه تعاریف کتابداری و اطلاع‌رسانی با آنچه که عملاً در دانشکده‌ها و گروه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی می‌گذرد، تضادها و ناهماهنگی‌ها را بیشتر روشن می‌کند. آنچه در دانشگاه با عنوان «کتابداری و اطلاع‌رسانی» تدریس می‌شود تا حدود زیادی بر کتابخانه‌ها متمرکز است و به قول باکلند این نکته در عمل

محقق‌تر از قول است. باکلند یادآوری می‌کند که هر چند امروزه علاقه زیادی وجود دارد تا فعالیت‌های مربوط به دسترسی به اطلاعات در خارج از چارچوب فیزیکی کتابخانه را هم مشمول رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی سازد، اما اصولاً مدارس کتابداری به منظور پرورش نیروی انسانی کتابخانه‌ها تأسیس شده‌اند؛ حتی برخی از مدارس اولیه بخشی از یک کتابخانه بزرگ بودند و دانشجویان برای کار در کتابخانه تربیت می‌شدند. بدیهی است امروزه مفاهیم مطرح شده در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی دیگر در چارچوب تنگ کتابخانه‌ها جای نمی‌گیرند، اضافه شدن عبارت «...و اطلاع‌رسانی»^۳ به دنبال نام گروه‌های کتابداری رویکردی است که جایگزینی دیدگاه نهادمدار کتابداری را با دیدگاه مفهومی، که منطقی‌تر به نظر می‌رسد، بهتر نشان می‌دهد (۲: ۳۸).

نکته‌ای که معمولاً در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی نادیده گرفته شده، حتی در تعداد زیادی از تعاریف هم نیامده و باتلر^۴ (۱۹۳۳) آن را با واژه «سادگی عملگرایی» توصیف کرده است، جنبه‌های نظری این حوزه است (۲۵). این نکته البته در تعاریف اخیر از کتابداری و به ویژه علم اطلاع‌رسانی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است و بر دو وجه عملی و نظری این حوزه تأکید، و یادآوری شده که این علم هم دارای جنبه نظری

است، که موضوع را صرف‌نظر از کاربرد آن به مطالعه می‌گیرد؛ و هم دارای جنبه عملی، که ایجاد و توسعه خدمات و محصولات را ممکن می‌سازد. مطالعه جنبه‌های نظری حوزه «کتابداری و اطلاع‌رسانی» استلزاماتی دارد. به منظور هرگونه پژوهش بنیادی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، قبل از هر چیز باید جنبه‌های هستی‌شناختی و ماهیت موضوع مشخص شود. این مقاله با رویکردی تعریف‌گرا سعی دارد به روشن‌تر شدن ماهیت حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی یاری رساند.

کتابداری و اطلاع‌رسانی ماهیتی میان‌رشته‌ای دارد و برای اینکه بتواند به خوبی به وظایف خود عمل کند باید از دستاوردهای علوم و دانش‌های دیگر استفاده کند، چند عامل موجب طرح مفهوم بین‌رشته‌ای در این حوزه شده است. نخستین و مهم‌ترین آنها، مسائل مطرح‌شده‌ای است که نمی‌تواند با رویکردها و مفاهیم رشته‌ای واحد حل گردد؛ در نتیجه، بین رشته‌ای بودن، چنانچه در بسیاری از حوزه‌های نوین دیگر صادق است، در این حوزه هم اجتناب‌ناپذیر شده است. دوم اینکه، بین‌رشته‌ای بودن را افرادی با زمینه‌های بسیار متفاوت وارد حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی کردند. بالاخره اینکه، حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌خاطر نوپایی و ضعف مبانی فلسفی و نظری خود

۳. البته اصطلاح انگلیسی این عبارت «اطلاعات» است که بر دیدگاه مفهومی حوزه مذکور تأکید دارد، درحالی‌که این اصطلاح در فارسی به اطلاع‌رسانی ترجمه شده که باز هم بیشتر نشان‌دهنده جنبه‌های کاربردی آن است، هرچند آن را بعد از واژه علم به‌کار می‌برند.

4. Butler

ناگزیر از استفاده از دستاوردهای حوزه‌های دیگر است. به هر حال، ویژگی میان‌رشته‌ای بودن، مزایا و معایب خاص خود را دارد، اما کتابداری و اطلاع‌رسانی، به عنوان حوزه‌ای میان رشته‌ای، باید برای خود ماهیتی یگانه و مجزا داشته باشد تا در حوزه‌های دیگر مستحیل نشود. شناسایی این وجه مشخصه کتابداری و اطلاع‌رسانی برای اهالی این حوزه و این پژوهش اهمیت اساسی دارد.

بدون آگاهی نسبت به مبانی فلسفی و نظری، اهداف، و رسالت حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی و ارائه تعریفی روشن از این حوزه، و با توجه به تحولات فناوری اطلاعات و تنوع کاربردها و جذابیت بالای آن، بیم آن می‌رود که اصل موضوع در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی فراموش شود و فناوری به عنوان هدف در نظر گرفته شود.

نقطه تکراری و مشترک بیان مسئله و ضرورت پژوهش در اکثر پژوهش‌های عصر حاضر، لزوم بازنگری در همه امور با توجه به تحولات مستمر و ضرورت‌های جدید اجتماعی، اقتصادی، و به ویژه فناورانه است، که در این پژوهش هم یکی از مواردی است که ضرورت پژوهش و بازنگری در تعاریف کتابداری و اطلاع‌رسانی را تبیین می‌کند.

بالاخره اینکه، کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی معمولاً در پاسخ به این سؤال که «کتابداری و اطلاع‌رسانی چیست؟» درمی‌مانند. بازنگری در تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی تلاشی است در جهت پاسخگویی به اینگونه سؤالات.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بازنگری در تعاریف مربوط به حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی و ارائه تعریفی نسبتاً جامع از حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است. به امید آنکه این تعریف در معرض قضاوت و ارزیابی صاحب‌نظران قرار گرفته و تکامل یابد. اهداف دیگر عبارت‌اند از:

- شناسایی نکات افتراق و اشتراک تعاریف با شمارش بسامد هر کدام از اصطلاحات در تعاریف مختلف حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، و
- درک عمیق‌تر و روشن‌تر ماهیت کتابداری و اطلاع‌رسانی.

سؤالات پژوهش

۱. کتابداری و اطلاع‌رسانی چگونه تعریف می‌شود؟
۲. آیا تعاریف موجود کل عملکرد و ابعاد کتابداری و اطلاع‌رسانی را پوشش می‌دهد؟
۳. چنانچه پاسخ سؤال ۲ منفی است، آیا می‌توان تعریف روشن و نسبتاً جامعی از حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی به عمل آورد؟
۴. آیا کتابداری و اطلاع‌رسانی یکی هستند یا با هم متفاوت‌اند؟
۵. در تعاریف مختلف کتابداری و اطلاع‌رسانی بیشتر بر چه مفاهیمی تأکید شده است؟ یا بسامد هریک از اصطلاحات اساسی در تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی چقدر است؟
۶. وجه مشخصه‌ای که کتابداری و اطلاع‌رسانی را از دیگر حوزه‌های دانش

جدا می‌کند و کتابداری و اطلاع‌رسانی با آن شناخته می‌شود، کدام است؟

۷. آیا تعریف لغوی از حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی کفایت می‌کند یا شناخت کامل و عمیق از آن با توجه به مسائل نهان (جنبه‌های نامرئی و مسائل مطرح شده در این حوزه) روشن می‌شود؟

۸. در تعریف جامع حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، مسائل اساسی، ویژگی‌ها، و الگوی نهان (جنبه‌های نامرئی و مسائل مطرح شده) کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

مطالعه سیر تاریخی پیدایش و گسترش اصطلاحات در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی نشان می‌دهد که از اسامی گوناگونی برای معرفی این حوزه استفاده شده است. کتابشناسی، که در سال ۱۸۰۲ به کار گرفته شد، کتابداری در سال ۱۸۱۸، و علم کتابداری در سال ۱۸۵۱، اولین اصطلاحاتی بودند که به‌عنوان اسامی این حوزه و مطالعه کتاب و کتابخانه مورد استفاده قرار گرفتند (۱۵: ۷۹).

علم اطلاع‌رسانی در نیمه دوم قرن بیستم مطرح شد. نام «دانشمند اطلاع‌رسانی» را نخستین بار فارادین^۵ در سال ۱۹۵۳ مطرح کرد و اندکی بعد یعنی در سال ۱۹۵۵ اصطلاح «علم اطلاع‌رسانی» را وضع کرد (۱۳: ۱۶۸). واژه‌نامه آکسفورد کاربرد اصطلاح علم اطلاع‌رسانی را در ۱۹۶۰ به پروفیسور سال گورن^۶، رئیس برنامه آموزشی علوم رایانه و اطلاع‌رسانی

دانشگاه پنسیلوانیا، نسبت می‌دهد (۱۵: ۸۰)، در حالی که شاپیرو معتقد است فارادین علاوه بر اینکه یکی از بنیان‌گذاران علم اطلاع‌رسانی بود، واضع اصطلاح «علم اطلاع‌رسانی» هم به شمار می‌آید. وی در ۱۹۵۵ این اصطلاح را در مقاله‌ای با عنوان «آموزش حرفه‌ای دانشمندان اطلاع‌رسانی» به کاربرد و از بحث درباره «دانشمندان اطلاع‌رسانی» به‌عنوان متخصص اطلاعات علمی، به بحث درباره «علم اطلاع‌رسانی» رسید (۱۵: ۸۱-۸۲).

شریدر^۷ (۱۹۸۳)، حدود ۷۰۰ تعریف از «علم اطلاع‌رسانی» را در طول سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۸۱ بررسی کرد. او پی برد که آشفتگی مفهومی ناشی از ویژگی مواد و مطالب علم اطلاع‌رسانی است. این آشفتگی، از انواع مشکلات در آثار تعریفی علم اطلاع‌رسانی ناشی می‌شود، مسائلی مانند استناد غیرانتقادی به تعریف‌های پیشین، درآمیختگی نظر و عمل، ادعاهای ثابت نسبت به مسائل علمی، نگرش محدود به فناوری، بی‌توجهی به مواد و مطالبی که عنوان علم یا فناوری روی آنها نبوده، مقایسه‌های نامناسب، تعریف چرخه‌وار و چندگانگی برداشت‌های مبهم، متعارض و گاه عجیب از سرشت اصطلاح «اطلاعات» (۲۸: ۹۹).

شریدر (۱۹۸۴)، درباره پیش‌واژه‌های مفهومی علم اطلاع‌رسانی رویکرد دیگری را مطرح ساخته تا ابهامات و تناقضاتی که این علم را، به‌عنوان حوزه‌ای قابل شناسایی برای مطالعه احاطه کرده، روشن شود. وی نوع متفاوتی از میان رشته‌ای بودن را ارائه

5. Faraddane

6. Sahl Gorn

7. Sherader

کرده، که رشته‌هایی را دربرمی‌گیرد که ظاهراً مرتبط و مشخص نیستند، معلوم هم نیست که عاریت‌ها از آنها گرفته شده، بلکه زمینه‌های پیشین و کاملاً مرتبطی را شامل می‌شود که گویی به‌عنوان بخشی از ساختار ژنتیک علم اطلاع‌رسانی هستند. شریدر در تقویم رشته‌ای خود ۴۰ واژه و اصطلاح را در هفت دسته، شناسایی و تنظیم نموده که در طی زمان برای جنبه‌هایی از آنچه که ما اکنون علم اطلاع‌رسانی می‌نامیم، به کار رفته‌اند. این هفت دسته اصلی عبارت‌اند از: کتابشناسی، سندداری، اطلاعات علمی، بازیابی اطلاعات، علم اطلاع‌رسانی، انفورماتیک، و کتاب‌سنجی. او تصویری از آشفتگی واژه‌شناختی به دست می‌دهد که نشان‌دهنده تکامل این زمینه در هشتاد سال قبل از زمان انجام این پژوهش است و حاکی از فقدان اتفاق آرای عالمانه درباره نحوه تشکیل شالوده نظری آن است (۲۷). شریدر مفاهیمی را که به‌عنوان نام رشته مورد استفاده قرار گرفته در دوره‌های تاریخی زیر تقسیم‌بندی می‌کند (۲۷: ۲۳۱):

عنوان	دهه
کتابشناسی	۱۹۰۰ - ۱۹۳۰
سندداری	۱۹۲۰ - ۱۹۵۰
اطلاعات علمی	۱۹۴۰ - ۱۹۵۰
بازیابی اطلاعات	۱۹۵۰ - ۱۹۶۰
علم اطلاعات	۱۹۶۰ - به بعد
انفورماتیک	۱۹۷۰ - به بعد
کتاب‌سنجی	۱۹۷۰ - به بعد

ساراسویک^۸ (۱۹۹۹)، در رویکرد خود نسبت به تعریف علم اطلاع‌رسانی، با طرح این سؤال که علم اطلاع‌رسانی چیست؟ معتقد است که این سؤال ظاهراً ساده، سؤال پیچیده‌تر دیگری را به میان می‌کشد، و آن اینکه، علم اطلاع‌رسانی، یا هر رشته دیگری چگونه تعریف می‌شود؟ و این مسئله پیچیده‌ای است که نهایتاً با فلسفه و سایر رشته‌ها سروکار دارد. وی در پاسخ به این سؤال دیدگاهی را در پیش می‌گیرد که توسط پوپر ارائه شده است. پوپر عقیده دارد ماده موضوعی یا کیفیت موضوعات، مبنای افتراق رشته‌های علمی نیست. ما دانشجویان موضوعی مشخص نیستیم، بلکه دانشجویان مسائل هستیم. هر مسئله ممکن است مرز خود را به طور دقیق از هر ماده موضوعی یا رشته علمی جدا کند. تأکید ساراسویک بر مسائلی است که توسط علم اطلاع‌رسانی مطرح شده است. هر چند تعریفی از علم اطلاع‌رسانی ارائه می‌دهد، ولی این کار را تنها برای کمک به شناخت مسائلی که توسط این رشته مطرح شده، انجام می‌دهد. وی عقیده دارد علم اطلاع‌رسانی به‌عنوان یک علم و یک حرفه، برحسب مسائلی که طرح کرده و روش‌هایی که برای حل آنها، در طول زمان، مورد استفاده قرار داده تعریف می‌شود. هرگونه پیشرفتی در علم اطلاع‌رسانی بستگی به این دارد که این حوزه در واقع نسبت به مسائلی که مطرح کرده و روش‌هایی که مورد استفاده قرار داده در حال پیشرفت است یا خیر (۲۶: ۱۰۵۱-۱۰۶۳)؟ بدین معنی که در

تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی دو نکته را باید مورد توجه قرار داد: نکته نخست تعریف لغوی و صریح از این حوزه است که برای هدف مقدماتی ما در شناخت این حوزه لازم است، اما دیدگاه عمیق‌تر، توجه به جنبه نامرئی و الگوی نهان آن، یعنی مسائلی است که در این حوزه مطرح می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله از دو روش پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا استفاده شده است. با مطالعه متون مختلف در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی روشن می‌شود که نام‌هایی که به طور معمول برای معرفی این حوزه به کار می‌روند شامل موارد زیر است:

- کتابداری / علم کتابداری / مطالعات کتابداری؛

- اطلاع‌رسانی / علم اطلاع‌رسانی یا علم اطلاعات / مطالعات اطلاع‌رسانی؛

- دبیزش / مدرک‌داری / سندآرایی / سندداری / سندپدازی / مطالعات سندداری / علم سندداری / دکوماناسیون، یا ترکیب‌هایی از این اسامی مانند علم یا مطالعات کتابداری و اطلاع‌رسانی / کتابداری و اطلاع‌رسانی؛ علم یا مطالعات کتابداری، سندداری و اطلاع‌رسانی.

تعاریف اندکی با عنوان‌های ترکیبی «کتابداری و اطلاع‌رسانی» وجود دارد. عبارت «کتابداری، سندداری، و اطلاع‌رسانی» با هم و به صورت ترکیبی در هیچ کدام از منابع مرجع مورد توجه و تعریف قرار نگرفته است. از اصطلاح سندداری هم تعاریف

زیادی یافت نشد، به نظر می‌رسد در متون کتابداری اخیر، کمتر از این اصطلاح استفاده می‌شود. بنابراین، اصطلاحات کتابداری و اطلاع‌رسانی به صورت مجزا، مورد بررسی قرار گرفتند. البته اسامی دیگری هم ممکن است توسط صاحب‌نظران این حوزه مطرح شده باشد، مانند دانش‌شناسی، دانش‌ورزی، مدیریت اطلاعات، مدیریت دانش، مهندسی اطلاعات، مهندس دانش، و مانند آن که چون نمود کمتری یافته‌اند و کمتر کسی حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی را با این عنوان‌ها تعریف کرده است، در اینجا مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

شیوه جست‌وجوی منابع برای دسترسی به تعاریف گوناگون حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی به این صورت بود که ابتدا تعاریف کتابداری در واژه‌نامه‌های عمومی و اختصاصی مورد بازیابی قرار گرفت. منابع فارسی و انگلیسی در این زمینه مورد توجه بودند. بعد از واژه‌نامه‌ها، دایرة‌المعارف‌های عمومی و تخصصی فارسی و انگلیسی هم مورد بررسی قرار گرفتند و عبارات زیر هر کدام از مدخل‌های librarianship, library science, information science documentaion library and information science ترکیب مورد مطالعه و استفاده قرار گرفتند. در ادامه تلاش برای پیدا کردن معتبرترین تعاریفی که از کتابداری و اطلاع‌رسانی به عمل آمده، تعاریف مراکز معتبر بین‌المللی مانند انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی امریکا مورد توجه قرار گرفته است. اولویت بعدی در بازیابی و استفاده از تعاریف، اسامی سرشناس

و نامدار حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی و تعاریفی بود که آنان از این حوزه ارائه داده‌اند. جست‌وجوی مقالات و کتاب‌هایی با مفاهیم مورد نظر در دستور کار قرار داشت. تعداد مطالعاتی از این دست زیاد نبود. تنها منبعی که به طور کامل به مطالعه تعاریف و اصطلاحات کتابداری و اطلاع‌رسانی پرداخته بود، کتاب شریدر (۱۹۸۳)، برگرفته از پایان‌نامه او بود، که به دلیل در دسترس نبودن از طریق سفارش به کتابخانه بریتانیا پی‌گیری شد که یا در آن کتابخانه هم موجود نبود یا به دلایل قانونی حق مؤلف اجازه ارسال وجود نداشت (۲۸).

در نهایت، ۱۸ تعریف برای کتابداری و ۱۹ تعریف از اطلاع‌رسانی بازایی شد. تعاریف مربوط به هر کدام از اصطلاحات در زیر همان اصطلاح با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بسامد هر کدام از واژه‌های موجود در تعاریف شمارش شد و نقاط افتراق و اشتراک تعاریف با هم مقایسه و دسته‌بندی گردید. در آخر، تجزیه و تحلیل مطالب با رویکردی جامع مورد توجه قرار گرفت. در تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی تعاریف بر گستره و دامنه وظایف، جنبه‌های عملی و نظری، اهداف، و نقاط تأکید هر کدام از تعاریف، به‌کارگیری واژه علم یا حرفه، ویژگی‌های دیگر مانند مفهوم میان‌رشته‌ای، تأکید بر فناوری، و بسیاری نکات دیگر از مفاهیم موجود در تعاریف، تأکید شده است.

تحلیل محتوا یکی از روش‌های پژوهش

است که در آن، بسامد واژه‌ها مورد شمارش واقع می‌شود. در این پژوهش تا حد ممکن، معتبرترین تعاریف گردآوری شده، بسامد واژه‌های هر کدام از تعاریف مورد شمارش قرار گرفته و پربسامدترین واژه‌ها و واژه‌های کم‌بسامد در تعاریف این حوزه شناسایی شده است. سرانجام، سعی شده است با استفاده از تعاریف موجود و الگوی آشکار حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی و توجه به مفاهیم نهفته در این حوزه، یعنی الگوی نهان آن، تعریف نسبتاً جامعی از حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی ارائه شود.

کتابداری، مطالعات کتابداری یا علم کتابداری

بنا به اظهار لاین^۹، به کتابداری باید به منزله وسیله ارتباطی میان دانش و مردم نگریست و فنون، ابزارها، ساختمان‌ها، و خود را باید در پرتو آن مورد آزمون قرار داد (۱۶: ۴۰). اصطلاحنامه کتابداری دو تعریف برای کتابداری ارائه کرده است: ۱) کتابداری عبارت است از کاربرد دانش کتاب‌ها و کاربرد اصول، فنون، و نظریه‌های مشخص در ایجاد، نگهداری و سازماندهی، و استفاده از مجموعه کتاب‌ها و دیگر مواد موجود در کتابخانه‌ها و همچنین گسترش خدمات کتابخانه. «کتابداری» نام حرفه کتابداران است؛ و ۲) دانش و تبحری که مربوط به اداره کتابخانه‌ها، مجموعه آنها، اقتصاد کتاب و کتابشناسی است (۱۴: ۲۴۳).

فرهنگ فشرده علوم کتابداری، کتابداری

را این‌گونه تعریف می‌کند: (۱) گردآوری، ذخیره‌سازی، و توزیع پیشینه‌ها و مواد نوشتاری یا چاپی؛ و (۲) مطالعه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و مدیریت کتابخانه‌ها (۱۷: ۶۱).

مزینانی در کتاب کتابخانه و کتابداری، بیان می‌دارد که کتابداری دانشی است که کارکردهای ویژه گردآوری، سازماندهی و اشاعه دانش را با اعمال روش‌های مدیریت بر عهده دارد (۱۸: ۷۷).

ابرامی، عقیده دارد کتابداری علمی است که با دانش مدون سروکار دارد. در اینجا، معنای وسیع دانش مورد نظر است و هرگونه اطلاع آدمی را در علم، دانش، هنر، و فن دربرمی‌گیرد. «کتاب» یا «کتابداری» وسیله‌ای را به ذهن متبادر می‌کند که از چندین برگ نوشته دستنوشته یا چاپ شده و مجلد پدید آمده باشد و این خود گاه موجب ابهام مفهوم علم کتابداری می‌شود. تاکنون، انسان دانسته‌های خویش را به شکل‌های گوناگونی تدوین، ضبط، و نگهداری کرده است. کتاب تنها یک شکل آن است که چندین قرن رواج داشته است. برای آنکه مفهوم واژه کتابداری بهتر روشن شود، از کتاب تعریفی علمی به دست می‌دهد: کتاب (۱) رسانه‌ای گروهی که (۲) در آن مطالبی ضبط شده باشد؛ (۳) قابل انتقال باشد و (۴) بازیابی مطالب آن از نظر زمان و مکان محدود نباشد. اینک باید دید در طول قرون، بشر چه وسایلی عرضه کرده که چنین تعریفی با آنها مطابقت دارد (۱: ۲۷).

موکهرچی، پس از ذکر چند تعریف از

دانتون، میرز، ویلر^{۱۰}، و دیگران، در جمع‌بندی تعاریف کتابداری اذعان می‌دارد که عموماً کتابداری به‌عنوان شاخه‌ای آموزشی و نوعی حرفه شناخته شده است. چنانچه دو نظر مورد تأیید در باب هدف کتابخانه‌ها، یعنی وسیله‌ای برای کسب اطلاعات و دانش و خدمتی اجتماعی را در نظر بگیریم، به طور مستدل می‌توان نتیجه گرفت که کتابداری صرفاً پیشه یا فنی استوار بر مهارت دستی یا دفتری نیست، بلکه بخشی از دانش پژوهشی است. این را که کتابداری شاخه‌ای از دانش بشری و بخشی از دانش پژوهشی است، می‌توان با تجزیه و تحلیل تعریف آن تصدیق کرد. کتابداری به منزله یک رشته، هم اصول نظری و هم دانش فنی مناسب در خدمت نیازهای اجتماعی را شامل می‌شود؛ مفاهیم در حال تکامل آن، پیکره دانشی را فراهم می‌کند که به مدیریت کارآمد کتابخانه، یعنی یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی عصر ما، منجر می‌شود (۱۹: ۶).

حری، علم کتابداری را علم مطالعه، بررسی، و کشف راهکارهای ایجاد پیوند میان دانش مضبوط و ذهن انسان می‌داند و البته تعریف خود را از کتابداری با تعریف آن در قالب حرفه و فن و در بستر کتابخانه تکمیل می‌کند (۱۰).

در جدول ۱، با استفاده از روش تحلیل محتوا، بسامد هرکدام از واژه‌های موجود در تعاریف «کتابداری یا علم کتابداری» نشان داده شده است. در تعاریف کتابداری معمولاً کتاب به معنای دانش مضبوط یا حداقل به

10. Danton, Meyers & Wheeler

جدول ۱. تحلیل محتوای تعاریف کتابداری یا علم کتابداری

کارکردها و وظایف	فراوانی	دیگر واژه‌ها	فراوانی
فراهم‌آوری	۱۲	دانش	۱۵
سازماندهی	۱۰	حرفه	۱۳
نگهداری	۷	دانش مضبوط	۱۲
اشاعه	۵	مدیریت کتابخانه	۹
بهره‌گیری	۵	رشته آموزشی یا دانشگاهی	۶
بازیابی	۲	کتابخانه‌ها	۵
تولید	۲	استفاده‌کنندگان	۵
جمع	۴۳	وسیله ارتباطی میان دانش و مردم	۴
		فناوری	۳
		کتابشناسی	۲
		اقتصاد کتاب و کتابخانه	۲
		سرگرمی	۱
		جمع	۷۷

معنی هر چه در کتابخانه نگهداری می‌شود، به‌کار گرفته شده است. در این تعاریف، خبری از روابط میان‌رشته‌ای نیست. فناوری از بسامد بسیار پایینی برخوردار است. بر کارکردها و وظایف اصلی در کتابخانه و کتابداری تأکید زیادی صورت گرفته و از میان وظایف اصلی، فراهم‌آوری و مجموعه‌سازی از بالاترین فراوانی برخوردار است. این نکته نشان می‌دهد که رویکرد غالب در تعاریف کتابداری مبتنی بر نگهداری و توسعه مجموعه است. به ترتیب، بعد از فراهم‌آوری بر سازماندهی، حفاظت و نگهداری، اشاعه، بهره‌گیری، و بازیابی تأکید شده است. وظایف و کارکردهای اساسی با فراوانی ۴۳، بیش از ۴۰ درصد از بسامد واژه‌ها در تعریف کتابداری را به خود اختصاص داده است. در میان واژه‌های پربسامد در تعریف کتابداری، اصطلاح «دانش»، با ۱۵ بار تکرار، بالاترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. بسامد این واژه حتی از هر کدام از وظایف و کارکردهای اصلی کتابداری به‌طور مجزا، بیشتر بوده است، البته واژه «حرفه» هم با فراوانی ۱۳ اینگونه بوده است. بعد از این دو واژه، اصطلاح «دانش مضبوط»، با فراوانی ۱۲، بسامد بالایی را به خود اختصاص داده است. واژه‌های دیگر بعد از این اصطلاحات، به ترتیب فراوانی آنها عبارت بودند از: مدیریت کتابخانه، رشته آموزشی یا دانشگاهی، کتابخانه‌ها، استفاده‌کنندگان، وسیله ارتباطی میان دانش و مردم، فناوری،

فناوری از روابط میان‌رشته‌ای نیست. فناوری از بسامد بسیار پایینی برخوردار است. بر کارکردها و وظایف اصلی در کتابخانه و کتابداری تأکید زیادی صورت گرفته و از میان وظایف اصلی، فراهم‌آوری و مجموعه‌سازی از بالاترین فراوانی برخوردار است. این نکته نشان می‌دهد که رویکرد غالب در تعاریف کتابداری مبتنی بر نگهداری و توسعه مجموعه است. به ترتیب، بعد از فراهم‌آوری بر سازماندهی، حفاظت و نگهداری، اشاعه، بهره‌گیری، و بازیابی تأکید شده است. وظایف و کارکردهای اساسی با فراوانی ۴۳، بیش از ۴۰ درصد از بسامد واژه‌ها در تعریف

کتابشناسی، اقتصاد کتابخانه، و سرگرمی. با توجه به جدول بسامد واژه‌ها، چنانچه بخواهیم کتابداری را تعریف کنیم، بیش از هر چیز باید بر وظایف و کارکردهای اصلی کتابداری در کتابخانه‌ها تأکید نماییم. البته به دلیل ضرورت حفظ ترتیب فرایند موجود در خدمات کتابداری باید از ترتیب قرار گرفتن این وظایف براساس فراوانی آنها صرف نظر کنیم. اما قبل از قرار گرفتن تک تک این واژه‌ها باید دو اصطلاح دانش و حرفه را مورد توجه قرار بدهیم، ارزش عبارت «دانش مضبوط» همسنگ فراهم‌آوری است که بیشترین بسامد را در میان کارکردهای اصلی به خود اختصاص داده است. از دیگر واژه‌ها هم با توجه به بسامد آنها در تعاریف کتابداری می‌توانیم استفاده کنیم و در نهایت کتابداری یا علم کتابداری را می‌توان اینگونه تعریف کرد:

«دانش و مهارتی که مربوط به تولید، فراهم‌آوری، سازماندهی، حفاظت و نگهداری، بازیابی، اشاعه و بهره‌گیری از دانش مضبوط است. این رشته آموزشی به مطالعه مدیریت کتابخانه‌ها، استفاده‌کنندگان، و ارتباط میان دانش و مردم می‌پردازد». چنانچه بخواهیم واژه‌ای از قلم نیفتد، می‌توان این عبارت را به تعریف فوق افزود: «در حالی که از فناوری، کتابشناسی، اقتصاد کتاب، و حتی سرگرمی هم غافل نیست».

جدول ۲ واژگان پذیرفته شده در شمارش بسامد واژه‌ها و مترادف‌های آنها را نشان می‌دهد که توسط پژوهشگر انتخاب شده‌اند. برای مثال، در یک تعریف از اصطلاح کتابخانه استفاده شده بود و در تعریف دیگر مراکز اطلاع‌رسانی، یا دانش مضبوط در تعاریف مختلف با مترادف‌های گوناگون مانند دانش مدون، دانش مکتوب، مواد چاپی و ترسیمی،

جدول ۲. واژگان پذیرفته شده و مترادف‌ها

مترادف‌ها	واژگان پذیرفته شده
گردآوری، مجموعه‌سازی، ذخیره، ذخیره‌سازی، ایجاد، گزینش	فراهم‌آوری
حفاظت	نگهداری
دانش مدون، دانش مکتوب، مواد چاپی و ترسیمی، دانش کتاب‌ها، کتاب‌ها، رسانه‌های ارتباطی مدون، منابع اطلاعاتی، معرفت انسانی مدون، مجموعه کتابخانه‌ها	دانش مضبوط
انتشار، توزیع پیشینه‌ها، انتقال	اشاعه
استفاده	بهره‌گیری
آماده‌سازی، سامان بخشی	سازماندهی
اداره کتابخانه، روش‌های مدیریت، توسعه خدمات کتابخانه	مدیریت کتابخانه‌ها
فناوری فنون، ابزارها	فناوری
معرفت، اصول، علم، مطالعه، بررسی، جنبه‌های نظری، نظریه‌ها	دانش
مراکز اطلاع‌رسانی	کتابخانه‌ها
مهارت، تبحر، جنبه‌های کاربردی	حرفه

دانش کتاب‌ها، کتاب‌ها، رسانه‌های ارتباطی مدون، منابع اطلاعاتی، معرفت انسانی مدون و مجموعه کتابخانه‌ها، معرفی شده بود و همین‌طور برای بقیه اصطلاحات، که شرح کامل آنها در جدول آمده است.

اطلاع‌رسانی، علم اطلاع‌رسانی یا علم اطلاعات

اطلاع‌رسانی در زبان فارسی به دانش و مهارت‌های مرتبط با گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، اشاعه، و مدیریت اطلاعات، اطلاق می‌گردد. حری، علم اطلاع‌رسانی را علمی می‌داند که به بررسی مسائل مربوط به گردآوری، ذخیره و بازیابی، و توزیع و اشاعه اطلاعات می‌پردازد (۹: ۱۷). تعاریف ارائه شده برای «علم اطلاع‌رسانی» بسیار زیاد است، اما نخستین تعریفی که در دهه ۱۹۶۰ ارائه شد، علم اطلاع‌رسانی را اینگونه تعریف می‌کند:

علم اطلاع‌رسانی علمی است که موجودیت‌ها و رفتار اطلاعاتی، نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات و ابزارهای پردازش اطلاعات، که دسترس‌پذیری و استفاده‌پذیری را به بهترین نحو مطلوب امکان‌پذیر می‌کنند، مورد بررسی و پژوهش قرار می‌دهد. فرایند این زمینه علمی عبارت است از: توزیع، فراهم‌آوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، تفسیر، و استفاده از اطلاعات. این زمینه علمی از زمینه‌های علمی دیگر مانند ریاضیات، منطق، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، فناوری رایانه، پژوهش عملیاتی، هنرهای گرافیکی، ارتباطات، علم کتابداری، مدیریت، و برخی زمینه‌های دیگر نشأت گرفته

یا با آنها در ارتباط است (۵: ۲۵).

چهار ویژگی در این تعریف وجود دارد:

۱. آنگونه که از تعریف علم اطلاع‌رسانی روشن می‌شود، تمرکز این علم بر پدیده اطلاعات، با یک چشم‌انداز کلی، صرف‌نظر از نوع بسته‌بندی مانند کتاب، پایگاه اطلاعاتی، یا هر محمل اطلاعاتی دیگر است. در حالی که، کتابخانه‌ها به‌عنوان مؤسساتی مبتنی بر مدرک در نظر گرفته می‌شوند؛

۲. علم اطلاع‌رسانی به چرخه کامل اطلاعات از تولید تا استفاده می‌پردازد؛

۳. این زمینه علمی به‌گونه‌ای آشکار بین‌رشته‌ای است و از زمینه‌هایی مانند علوم اجتماعی و روان‌شناسی نشأت گرفته است؛ و

۴. همچنین از تعریف اطلاعات مشخص می‌شود که این تعریف «مبتنی بر مؤسسه» نیز نیست، یعنی فی‌نفسه از کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی حرفی به میان نیامده است. اگرچه این تعریف «مبتنی بر مؤسسه» نیست، در تعاریف علم اطلاع‌رسانی بر هدف کتابخانه یعنی دسترس‌پذیری و قابلیت استفاده از اطلاعات تأکید شده است. اینکه گاهی اوقات علم اطلاع‌رسانی را «علم کتابداری غیرسازمانی» در نظر می‌گیرند، چیز عجیبی نیست. علم اطلاع‌رسانی، کتابخانه‌ای بدون دیوار است که کل جهان اطلاعات مجموعه آن است و کتابدار یا متخصص اطلاعات، فردی است که به فراهم‌آوری، سازماندهی و اشاعه آن اطلاعات می‌پردازد (۵: ۲۵-۲۶).

دائرة المعارف بین‌المللی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی^{۱۱} مدخلی به نام «علم اطلاع‌رسانی»

11. International Encyclopedia of Information and Library Science

دارد که توسط باب باتل^{۱۲}، استاد سابق علوم اطلاع‌رسانی در دانشگاه سیتی^{۱۳}، نوشته شده است. این مدخل علم اطلاع‌رسانی را چنین تعریف می‌کند: رشته‌ای که ویژگی‌های اطلاعات و سرشت فرایند انتقال اطلاعات را مورد بررسی قرار می‌دهد و در عین حال از جنبه‌های عملی فراهم‌آوری، تطبیق و ارزیابی اطلاعات، و نیز سازماندهی به‌منظور اشاعه آن با استفاده از ابزارهای مناسب فکری و فناوری مناسب غافل نیست (۲۴: ۲۹۵).

کتاب علم اطلاع‌رسانی در نظر و عمل علم اطلاع‌رسانی را بررسی مبادله اطلاعات در جامعه تعریف می‌کند و یادآور می‌شود که این معنا از زمینه عملی علم اطلاع‌رسانی گرفته می‌شود که فعالیت اجتماعی است برای تسهیل انتقال اطلاعات (۲۰: ۱).

اطلاع‌رسانی دانشی است که درباره کیفیت و کاربرد اطلاعات، نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات، و همه ابزارهای آماده‌سازی اطلاعات برای دسترسی و استفاده مطلوب تحقیق می‌کند. اطلاع‌رسانی به تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل، و کاربرد اطلاعات مربوط می‌شود. این علم درباره ارائه اطلاعات به روش طبیعی و مصنوعی و کاربرد قالب‌ها برای انتقال کامل اطلاعات و شیوه‌های آماده‌سازی اطلاعات و ابزارها و فنون آن مانند کامپیوتر و روش‌های برنامه‌ریزی آن، به پژوهش می‌پردازد. هدف اطلاع‌رسانی، به‌عنوان یک علم، تهیه مجموعه اطلاعاتی است که سبب پیشرفت نهادهای گوناگون و روش‌هایی می‌شود که برای

گردآوری و انتقال دانش در نظر گرفته شده است (۱۴: ۲۰-۲۱).

فرهنگ فشرده علوم کتابداری علم اطلاع‌رسانی را اینگونه تعریف می‌کند: «حیطه‌ای از دانش، نظریه و تکنولوژی که با مجموعه‌ای از داده‌های واقعی و ارقام، فرایندها و روش‌های مربوط به سامان‌بخشی، ذخیره‌سازی، اشاعه، انتشار، و بازیابی اطلاعات سروکار دارد. اطلاع‌رسانی، زمینه‌های موضوعی ارتباطات، نشر، علم کتابداری، و انفورماتیک را نیز دربرمی‌گیرد» (۱۷: ۵۶).

ویستر و سایر واژه‌نامه‌ها علم اطلاع‌رسانی را معمولاً علمی تعریف می‌کنند که درباره گردآوری، ذخیره، و بازیابی مؤثر اطلاعات بحث می‌کند. این تعریف، تعریفی کلی از مسائلی است که علم اطلاع‌رسانی مطرح می‌کند و تقریباً همان تعریف قدیمی و عالی بورکو را دنبال می‌کند. وی به‌عنوان بخشی از بحث و اختلاف گسترده درباره ماهیت این حوزه در دهه ۱۹۶۰ ارائه داد (۱۲: ۶۰-۶۱).

علم اطلاع‌رسانی حوزه‌ای از کار حرفه‌ای و پژوهشی علمی است که به مسئله انتقال مؤثر پیشینه‌های دانش - متون - در میان انسان‌ها در بافت نیازهای اجتماعی، سازمانی، و فردی برای استفاده از اطلاعات می‌پردازد. گرایش اصلی در اینجا مسئله نیاز به اطلاعات و استفاده از آن، به‌عنوان پیشینه‌های دانش است. برای رفع این نیاز، علم اطلاع‌رسانی اختصاصاً با فنون، نظام‌ها، و روش‌های اطلاعات‌گرا سروکار دارد (۱۲: ۶۱).

جدول ۳. تحلیل محتوای تعاریف اطلاع‌رسانی یا علم اطلاع‌رسانی

کارکردها و وظایف	فراوانی	روابط میان‌رشته‌ای	فراوانی	دیگر واژه‌ها	فراوانی
انتقال و اشاعه	۱۹	کتابداری	۴	علم یا دانش	۱۹
بهره‌گیری	۱۶	فناوری	۳	اطلاعات	۱۹
سازماندهی	۱۵	ارتباطات	۳	ابزارهای پردازش اطلاعات	۱۲
فراهم‌آوری	۱۵	رایانه	۳	موجودیت‌های اطلاعاتی، ویژگی‌های اطلاعاتی، کیفیت اطلاعات	۱۱
ذخیره و بازیابی	۱۲	زبان‌شناسی	۳	حرفه	۸
دسترسی	۱۲	مدیریت	۲	فرایندها و روش‌ها	۶
ارزیابی	۱۰	ریاضیات	۲	نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات	۵
مدیریت	۴	منطق	۲	ارائه اطلاعات به روش‌های طبیعی و مصنوعی	۴
تولید	۳	انفورماتیک	۱	رفتار اطلاعاتی	۳
ترجمه	۲	نشر	۱	پیشینه‌های مدون	۳
نگهداری	۱	مهندسی	۱	جامعه	۲
جمع	۱۰۹	جمع	۲۵	جمع	۹۲

در مقاله ژانویه ۱۹۶۸ مجله انجمن علم اطلاع‌رسانی امریکا، هارولد بورکو این تعریف را به دست داد: علم اطلاع‌رسانی در مورد ویژگی‌ها و رفتار اطلاعات، نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات، و روش‌های پردازش اطلاعات برای دسترسی و استفاده بهینه تحقیق می‌کند. این علم با آن بدنه از دانش که با شکل‌گیری، جمع‌آوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، تفسیر، انتقال، شکل‌دهی، و بهره‌برداری از اطلاعات مربوط است سروکار دارد. این علم هم مؤلفه‌هایی از علوم خالص دارد، که در موضوع بدون توجه به کاربردهای آن به تحقیق می‌پردازد، و هم دارای مؤلفه‌هایی از علوم کاربردی است که به ارائه خدمات و محصولات می‌پردازد (۳: ۸-۲).

جدول ۳، بسامد واژه‌ها را در تعاریف علم اطلاع‌رسانی نشان می‌دهد. در تعاریف علم اطلاع‌رسانی تقریباً نیمی از فراوانی‌ها به وظایف و کارکردها اختصاص یافته است. تفاوتی که علم اطلاع‌رسانی در زمینه کارکردها و وظایف با کتابداری دارد این است که علاوه بر اینکه وظایف و کارکردها بسامد بالاتری نسبت به کتابداری دارند، از نظر تعدد وظایف و تنوع هم متفاوت‌اند. انتقال و اشاعه اطلاعات در همه تعاریف وجود دارد، بعد از این عبارت، بهره‌گیری و استفاده از اطلاعات با بسامد ۱۶ بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در این تعاریف، برخلاف تعاریف کتابداری، رویکرد غالب توجه به اشاعه و بهره‌گیری از اطلاعات است. دیگر وظایف به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از:

سازماندهی، فراهم‌آوری، ذخیره و بازیابی، دسترسی، ارزیابی و تفسیر، مدیریت، تولید، و ترجمه و نگهداری. ظاهراً نقش نگهداری در علم اطلاع‌رسانی بسیار ضعیف شده و فقط در یکی از تعاریف به آن اشاره شده است.

نکته با اهمیت دیگر، که در تعاریف علم اطلاع‌رسانی وجود داشت و یکی از نکات افتراق با کتابداری محسوب می‌شود، روابط میان‌رشته‌ای بود که فراوانی ۲۵ را به خود اختصاص داده است. روابط بین‌رشته‌ای به ترتیب با کتابداری، فناوری، ارتباطات، رایانه، زبان‌شناسی، ریاضیات، منطق، مدیریت، نشر، مهندسی، و انفورماتیک وجود دارد.

دیگر اصطلاحی که بالاترین فراوانی را در تعاریف علم اطلاع‌رسانی به خود اختصاص داد، واژه «علم» یا «دانش» با بسامد ۱۹ بود. در همه تعاریف بر جنبه علمی علم اطلاع‌رسانی تأکید شده بود و کسی در علم بودن آن شک نکرده بود. واژه دیگری که هسته علم اطلاع‌رسانی به حساب می‌آید، «اطلاعات» است که مانند علم در همه تعاریف مربوط به علم اطلاع‌رسانی حضور دارد. اصولاً علم اطلاع‌رسانی به مطالعه اطلاعات می‌پردازد، این مشخصه گاهی اوقات به صورت مطالعه ماهیت و سرشت اطلاعات، ویژگی‌های اطلاعات، فرایند انتقال اطلاعات، رفتار اطلاعات، و عبارات دیگری که همگی به اطلاعات ختم می‌شود، نمود می‌یابد. در تعاریف علم اطلاع‌رسانی تأکید بر اطلاعات به جای کتاب، کتابخانه یا مواد مضبوط، در تعاریف علم کتابداری محسوس است.

ابزارهای پردازش اطلاعات یا به عبارتی

«فناوری اطلاعات» با فراوانی ۱۲ یکی از عباراتی بود که در تعریف علم اطلاعات بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این نکته یکی دیگر از تفاوت‌های علم اطلاعات با کتابداری به حساب می‌آید. فناوری اطلاعات در تعاریف کتابداری از بسامد پایینی (۳) برخوردار بود.

موجودیت‌های اطلاعاتی، ویژگی‌های اطلاعاتی، و کیفیت اطلاعات در تعاریف علم اطلاع‌رسانی بسامد بالایی داشتند. «حرفه» واژه‌ای بود با فراوانی ۸. در اکثر تعاریف علم اطلاعات تأکید شده بود که این علم هم دارای جنبه‌های نظری است که به علم بدون توجه به کاربرد آن توجه دارد و هم دارای جنبه عملی است که به ایجاد و توسعه محصولات و خدمات توجه دارد. نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات که فراوانی آن ۵ بود، شامل تولیدکنندگان و ناشران، کتابخانه‌ها، کتابفروشان، استفاده‌کنندگان و کسانی می‌شود که در فرایند انتقال اطلاعات نقشی برعهده دارند. دیگر اصطلاحات به ترتیب فراوانی عبارت بودند از: ارائه اطلاعات به روش طبیعی و مصنوعی، رفتار اطلاعات، پیشینه‌های مدون و جامعه. با توجه به جدول بسامد واژه‌ها چنانچه بخواهیم علم اطلاع‌رسانی را تعریف کنیم ناگزیر باید چند نکته را مدنظر قرار دهیم:

۱. وظایف و نقش‌های سستی که در کتابداری حضور داشت، همچنان وجود دارند و حتی گستردگی و تنوع بیشتری پیدا کرده‌اند. البته بسامد واژه‌ها نشان می‌دهد که نقاط تأکید از نگهداری در کتابداری سستی

به سمت اشاعه و انتقال اطلاعات، بهره‌گیری و کاربرد اطلاعات، ارزیابی و مدیریت اطلاعات تغییر جهت داده‌اند البته نقش‌های سازماندهی، فراهم‌آوری، و ذخیره و بازیابی هم از موارد پریسامد هستند؛

۲. از نظر روابط میان‌رشته‌ای تعاریف علم اطلاع‌رسانی با تعاریف کتابداری تفاوت اساسی دارند. بیشترین ارتباط بین‌رشته‌ای با رشته‌های کتابداری، فناوری، رایانه، ارتباطات، و زبان‌شناسی است. در تلاش برای تعریف علم اطلاع‌رسانی، بین‌رشته‌ای بودن آن مضمونی همیشگی است؛

۳. اصطلاح «اطلاعات» در تعریف علم اطلاع‌رسانی هسته اصلی تعاریف است و این ویژگی تعاریف علم اطلاع‌رسانی، جایگزینی برای دانش مضبوط در تعاریف کتابداری است؛

۴. تأکید بر استفاده از فناوری اطلاعات و ابزارهای پردازش اطلاعات و ویژگی برجسته تعاریف علم اطلاع‌رسانی است؛

۵. جنبه‌های حرفه‌ای و داشتن مهارت و تبحر در به‌کارگیری دانش اطلاع‌رسانی در یک بستر عملی همچنان مطرح است؛

۶. از ویژگی‌های اکثر تعاریف این بود که استفاده از ابزارهای فکری و فناوری در کنار هم، ارائه اطلاعات به روش طبیعی و مصنوعی در کنار هم، جنبه‌های نظری و عملی در کنار هم، و علم در کنار حرفه، قرار گرفته بود؛ و

۷. نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات و بقیه اصطلاحات هم، که بسامد کمتری دارند، باید جایی هر چند اندک در تعریف علم اطلاع‌رسانی داشته باشند.

درنهایت با توجه به موارد بالا می‌توان علم اطلاع‌رسانی را اینگونه تعریف کرد: علم اطلاع‌رسانی علمی میان‌رشته‌ای است که به مطالعه ماهیت اطلاعات، فرایند انتقال اطلاعات، موجودیت‌های اطلاعاتی، ویژگی‌ها و رفتار اطلاعات، و نیروهای حاکم بر جریان اطلاعات می‌پردازد. این علم هم دارای جنبه نظری است و هم مهارت‌های عملی را در خود دارد. کارکردهای آن، که با استفاده از فناوری اطلاعات میسر می‌شود، شامل تولید، فراهم‌آوری، سازماندهی، ذخیره و بازیابی، اشاعه، دسترسی، ارزیابی، بهره‌گیری، و مدیریت اطلاعات است.

جدول ۴. واژگان پذیرفته شده و مترادف‌ها

مترادف‌ها	واژگان پذیرفته شده
روش‌های برنامه‌ریزی	مدیریت
ارزشیابی، تفسیر، تبدیل، تحلیل	ارزیابی
استفاده‌پذیری، استفاده، کاربرد	بهره‌گیری
توزیع، انتقال اطلاعات، مبادله، تسهیل	اشاعه و انتقال
انتقال، انتقال، ارائه اطلاعات	انتقال
ابزارهای پردازش اطلاعات	فناوری اطلاعات
دانش، رشته، جنبه‌های نظری، نظریه	علم
جنبه‌های عملی - خدمات	حرفه
فعالیت‌های اجتماعی	جامعه

جدول ۴، واژگان پذیرفته شده و مترادف‌های آنها را در تعاریف علم اطلاع‌رسانی نشان می‌دهد، واژگان پذیرفته شده توسط پژوهشگر انتخاب شده‌اند، برای مثال، در یک تعریف از اصطلاح «ابزارهای پردازش اطلاعات» استفاده شده بود و در تعریف دیگر فناوری، یا تفسیر در تعاریف

مختلف با مترادف‌های گوناگون مانند ارزشیابی، ارزیابی، تبدیل و تحلیل معرفی شده بود و همین‌طور برای بقیه اصطلاحات، که شرح کامل آنها در جدول آمده است.

سندداری، دکوماناسیون، سندپردازی، سندآرایی، مدرک‌داری یا دبیزش

در دانشنامه کتابداری که به جای سندداری از واژه دبیزش استفاده شده، آمده است که بهترین تعریفی که برای دبیزش وجود دارد، تعریفی است که در ۱۹۴۵ در مجله سندداری ارائه شد، این تعریف عبارت است از: «گردآوری، سازمان دادن، و اشاعه دانش‌های تخصصی» (۱۴: ۱۲۹-۱۳۰). در حقیقت حیطة عملیاتی سندداری از کشف و ایجاد دانش جدید، نشر، تجزیه و تحلیل، رده‌بندی، و تنظیم این دانش تا رسیدن به دست استفاده‌کننده گستردگی دارد، بورکو (۱۳۵۱)، در پاسخ به این سؤال که سندداری چیست؟ سندداری را یکی از بخش‌های کاربردی اطلاع‌رسانی می‌داند. وی معتقد است متخصصان سندداری نه تنها با اشکال ظاهری مدارک سروکار داشتند، بلکه نسبت به کتابداران سنتی تا حد بسیار زیادی به تحلیل محتوای اطلاعات موجود در مدارک هم می‌پرداختند (۳: ۲-۸).

تفاوت‌ها و شباهت‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی یا علم کتابداری و علم اطلاع‌رسانی

آنگونه که از متون انگلیسی برداشت می‌شود،

در خارج از کشور علم کتابخانه یا آن چیزی که در فارسی به علم کتابداری ترجمه شده است، معمولاً در اکثر منابع مرجع، در مدخلی جدا از علم اطلاعات تعریف شده است و خیلی کم اتفاق افتاده که این دو به صورت ترکیبی و در کنار هم قرار گرفته باشند، البته در نوشتارهای این حوزه مکرراً عنوان به صورت ترکیبی وجود داشته باشد، اصطلاحات علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی با علامت اختصاری LIS^{۱۴} در این منابع آمده است،

راین، عقیده دارد هر دو رشته کتابداری و علم اطلاعات، بر تسهیل انتقال اطلاعات به منظور برآوردن نیازهای اطلاعاتی افراد تمرکز دارند، این مورد به عنوان مشخصه اصلی کتابداری و علم اطلاعات است، که اگر شخصی بخواهد این دو رشته را به عنوان یک رشته واحد علمی در نظر بگیرد، می‌تواند بر آن تأکید کند (۵: ۲۶). ماچلاپ و مانسفیلد^{۱۵} (۱۹۸۳)، می‌نویسند کتابداری و اطلاع‌رسانی همان علم اطلاع‌رسانی است. دلیلی که آنها برای این گفته خود دارند این است که علم اطلاع‌رسانی با به‌کارگیری فناوری‌های نوین اطلاعاتی در وظایف سنتی کتابخانه‌ها مثل فراهم‌آوری، ذخیره، بازیابی، و اشاعه پیشینه‌های مضبوط، موجبات بهبود و ارتقای فنی کتابداری را فراهم نموده است (۶: ۲۵۴). فرهنگ فشرده علوم کتابداری زیر واژه متخصص اطلاع‌رسانی^{۱۶}، تفاوت متخصص اطلاع‌رسانی را با کتابدار این می‌داند که اطلاع‌رسانی بیشتر از ذخیره‌سازی و بازیابی

14. Library and Information Science

15. Muchlup & Mansfeld

16. Information scientist

اطلاعات با ارزیابی و تفسیر اطلاعات سروکار دارد (۱۷: ۵۶).

ساراسویک معتقد است تفاوت‌های بسیار مهمی میان کتابداری و علم اطلاع‌رسانی وجود دارد که موارد زیر از آن جمله‌اند:

۱. انتخاب مسائل مطرح شده و شیوه تعریف این مسائل: بخش عمده‌ای از مسائلی که در علم اطلاع‌رسانی وجود دارد، در علم کتابداری مطرح نشده است؛

۲. سؤالات نظری و چارچوب‌های ایجاد شده: نظریات و چارچوب‌های مفهومی در کتابداری (که عمدتاً مبتنی بر فلسفه و تا حدی ارتباطات است) هیچ‌گونه همتایی در علم اطلاع‌رسانی ندارند و بالعکس؛

۳. ماهیت و درجه آزمایش‌گری و رشد تجربی و دانش عملی حاصل و شایستگی‌های کسب شده: هم‌پوشانی بسیار اندکی در آزمایش‌ها و پیشرفت‌های این دو حوزه وجود دارد و نیازهای حرفه‌ای آنها نیز بسیار با هم متفاوت است؛

۴. ابزارها و رویکردهای مورد استفاده: نمونه‌ای که بسیار ذکر می‌شود رویکرد بسیار متفاوتی است که این دو حوزه نسبت به بهره‌مندی از فناوری در بازیابی اطلاعات و در خودکارسازی کتابخانه دارند؛ و

۵. ماهیت و قوام روابط بین‌رشته‌ای موجود و وابستگی پیشرفت به رویکردهای بین‌رشته‌ای: کتابداری بسیار خود بسنده‌تر است (۱۲: ۷۳).

ساراسویک، در نهایت، اذعان می‌دارد که کتابداری و علم اطلاع‌رسانی ضمن مرتبط

بودن، دو حوزه متفاوت از هم هستند. در مقابل، واکاری^{۱۷} معتقد به یکی بودن و هم‌حوزه بودن علم اطلاع‌رسانی و کتابداری، همراه با نامی است که عموماً به آن صورت مورد استفاده قرار می‌گیرد، یعنی «علم کتابداری و اطلاع‌رسانی» (۱۲).

برخی از تفاوت‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی آنگونه که در متون آمده عبارت‌اند از:

- نهادمدار بودن کتابداری؛

- قربت بیشتر اطلاع‌رسانی با فناوری اطلاعات؛

- در کتابداری تأکید بر کتاب در کتابداری، بر مدرک در دکوماناسیون، و بر اطلاعات در اطلاع‌رسانی؛

- اطلاع‌رسانی جنبه میان رشته‌ای قوی‌تر اطلاع‌رسانی؛ و

- انتخاب و تعریف مسائل، دستور کارها، الگوها، مبانی نظری، راه‌حل‌های عملی، و مناسب بودن آنها برای مسائل اطلاعاتی انسان. یورلند اظهار می‌دارد این که سه اصطلاح (سندداری، کتابداری و اطلاع‌رسانی) را مترادف بگیریم یا نگیریم، تا اندازه‌ای به دیدگاه نظری ما مربوط می‌شود. مراکز آموزشی مختلف علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در جهان بر جنبه‌های مختلف تأکید می‌ورزند؛ همان کاری که رویکردهای مختلف در تاریخ این حوزه انجام داده‌اند. افراد در آموزشگاه‌های علم کتابداری و اطلاع‌رسانی از لحاظ توجیه نظری خاص خود و مسائلی که بر آنها تأکید می‌کنند، تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند. کسانی که بر کاربرد فناوری اطلاعات تأکید

می‌کنند، گرایش به ترجیح دادن اصطلاح «علم اطلاع‌رسانی» دارند؛ اما آنهایی که به تاریخ کتابداری اشتغال دارند، غالباً اصطلاح «مطالعات کتابداری» را ترجیح می‌دهند. من خود به واژه «سندداری» علاقه بسیار زیادی دارم و «مطالعات کتابداری، و اطلاع‌رسانی» را گسترده‌ترین و فراگیرترین نام برای این حوزه می‌دانم. به‌رحال مسائل بسیاری با توجه به معنای «اطلاعات/ اطلاع‌رسانی» و «علم اطلاع‌رسانی» ناگشوده باقی مانده‌اند و پیشرفت در زمینه مسئله «نام‌گذاری» در این زمینه، به تبیین نظری ما بستگی دارد؛ که این نیز به سهم خود، به درک ارزش‌های نسبی و مسائل در رویکردها یا سرمشق‌های مختلف وابسته است (۲۱: ۱۳).

برخی عقیده دارند که کتابداری و دکوماناسیون جنبه‌های عملی علم اطلاع‌رسانی است و خط‌مشی‌ها و فنونی که کتابداران و متخصصان سندداری در کار خود دارند، باید مبتنی بر اصل نظری علم اطلاع‌رسانی باشد و متقابلاً صاحب‌نظران علم اطلاع‌رسانی باید فنون آزموده شده این دست‌اندرکاران را مورد مطالعه قرار دهند (۳).

حری (۱۳۶۹)، در مقاله‌ای با عنوان «اطلاع‌رسانی: اصطلاحی نو با مضمونی کهن» اصطلاحات کتابداری، سندداری، و اطلاع‌رسانی را یکی دانسته و به‌طور کلی اطلاع‌رسانی را به‌عنوان حوزه‌ای توصیف کرده که به «مناسب‌سازی» اشاعه اطلاعات می‌پردازد (۷). وی یادآوری می‌کند که هر چند از نظر مطالعه روند تاریخی و تحول

مفهومی می‌توان پذیرفت اطلاع‌رسانی تحول‌یافته سندداری و سندداری تحول‌یافته کتابداری است، نباید این توهم ایجاد شود که این اصطلاحات ناظر بر فعالیت‌های جداگانه‌ای است که وجه اشتراکی باهم ندارند یا شباهت آنها با یکدیگر بسیار اندک است. حری در تبیین نظر فوق بر سه عنصر مضمون، محمل و کاربرد تأکید می‌کند و رابطه متقابل مضمون، محمل، و کاربرد را با یک مثال نشان می‌دهد، که هر رسانه‌ای در فرایند ارتباط با آن سروکار دارد و معتقد است در هر دوره تاریخی چیزی که ثابت مانده همان هدف، یعنی «مناسب‌سازی» بوده و چیزی که تغییر کرده این سه مفهوم بوده است؛ یعنی حد فعالیت‌ها و دستاوردها با توانایی‌های اجتماعی، فکری، و فنی هر زمان تعیین شده است. به عبارت دیگر، نظام ذهنی، حد انتظار و مقدورات فنی جامعه، تناسب برونداد را تعیین کرده است. اطلاع‌رسانی در واقع می‌کوشد مضمونی را که پدیدآورنده ارائه کرده، به‌گونه‌ای شایسته و مناسب برای استفاده تبدیل کند و در این فرایند می‌تواند از کلیه تمهیدات بهره‌بردار. نام و صورت ظاهر سبب به وجود آمدن نهادهای جداگانه نمی‌شود؛ بنابراین کتابداری، سندداری و اطلاع‌رسانی یا هر نام دیگری که وجود دارد یا ممکن است در آینده ابداع شود، حوزه‌هایی نیستند که به فعالیت‌های جداگانه‌ای بپردازند، بلکه نام‌های متفاوتی هستند که به فعالیت‌های واحد اطلاق می‌شوند (۱۱: ۶۱-۶۷). هر چند حری نامی از تغییر پارادایم^{۱۸} نمی‌برد، استدلال

وی به این مفهوم بسیار نزدیک است. حری عقیده دارد بحث اطلاع‌رسانی و رابطه آن با کتابداری و مباحثی از این دست به جدلی پنهانی بر سر «عنب» و «انگور» تبدیل شده است؛ جا دارد با باز نمودن درونمایه این جدل، وحدت مفهوم جایگزین کثرت الفاظ گردد. وی در ادامه اذعان می‌دارد درک درست از چارچوب اطلاع‌رسانی امری سهل و ممتنع است. سهل از این جهت که همگان بر وجود جریان اطلاعات و انتقال آن از مبدأ تا مقصد، اذعان دارند، اما باور جدی نسبت به تنوع محمل‌ها به‌عنوان گونه‌گونی مجراهای جریان اطلاع‌رسانی به نظر ممتنع می‌رسد. این تعارضی است که در نگرش کتابداران متقدم و اطلاع‌رسانان متأخر وجود داشته و دارد. در نهایت وی چاره کار را در پیشرفت بدون گسستن از گذشته می‌داند و این شیوه را طبیعی‌ترین روش حرکت نظام‌های اجتماعی و ماندگارترین آنها می‌داند، چرا که نه گذشته نفی می‌شود و نه آینده مورد غفلت قرار می‌گیرد (۸: ۷۱-۷۳).

وجوه مشخصه و ویژگی‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی

تعاریف لغوی برای ارائه یک توصیف گسترده و تعیین حدود موضوعاتی که یک حوزه علمی را پوشش می‌دهد، ضروری هستند. با این حال نباید تصور کرد با ارائه یک تعریف نسبتاً جامع وظیفه ما تمام می‌شود، زیرا تعاریف لغوی قادر نیستند شناخت عمیقی از مسائل به ما بدهند. این مورد به‌هیچ‌وجه به

معنای رد تعاریف روشن لغوی نیست، بلکه صرفاً بیان محدودیت‌های آن است. تعاریف لغوی برای کمک به شناخت مسائلی که توسط رشته‌های مختلف مطرح شده، مناسب هستند. ساراسویک (۱۹۹۹) عقیده دارد بحث بر سر تعریف مناسب از علم اطلاع‌رسانی بدون توجه به مسائل مطرح شده، مانند هر رشته دیگری، انتظاری ساده‌لوحانه و بی‌ثمر است، زیرا علم اطلاع‌رسانی به‌عنوان یک علم و یک حرفه، برحسب مسائلی که طرح کرده و روش‌هایی که در طی زمان برای حل آنها مورد استفاده قرار داده، تعریف می‌شود (۲۶: ۱۰۵۱-۱۰۶۳). به همین دلیل، برخی پژوهشگران مانند بیتس^{۱۹} (۱۹۹۹) در جست‌وجوی ماهیت کتابداری و اطلاع‌رسانی معتقد است باید به بخش نهران این حوزه هم توجه کرد و این بخش را الگوی نهران حوزه می‌نامد و تعاریف لغوی و صریح را (که اتفاقاً برای شناخت وحدت ذاتی الگو لازم هم است) الگوی آشکار می‌داند (۲۲: ۱۰۴۳-۱۰۵۰). پس برای درک ماهیت و چیستی کتابداری و اطلاع‌رسانی علاوه بر ارائه تعریفی نسبتاً جامع از این حوزه، باید بر مسائلی تأکید کنیم که در این حوزه مطرح می‌شود.

تعاریف لغوی محدودیت‌هایی دارند. تلاش برای تعریف خیلی دقیق از کتابداری و اطلاع‌رسانی از این نظر نادرست است که انسان گرایش دارد در هنگام تعریف کردن پدیده‌ها، چیزهایی را از شمول خارج کند و در نهایت ممکن است از عدم شمول و

جامعیت متأسف شود. در تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی باید مواظب باشیم دیدگاه خود را طوری محدود نکنیم که مانع بروز بینش‌های گسترده‌تر شود. برای مثال چنانچه از منظر خدمات کتابخانه به کتابداری نگاه کنیم و کارکردهای کتابخانه را به‌عنوان تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی در نظر بگیریم، جنبه‌هایی از این حوزه را نادیده گرفته‌ایم؛ در حالی که هرگاه ماهیت آنچه را که انجام می‌شود، بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که کتابداری تماماً مختص کتابخانه‌ها نیست. یکی از مشکلاتی که در یک دیدگاه وسیع نسبت به تعریف کتابداری و اطلاع‌رسانی وجود دارد این است که ممکن است ما را از اهداف کاربردی دور کند. اما در نهایت شاید ناچار شویم یک تعریف گسترده از این علم ارائه کنیم، بعد در درون آن خود را به مقداری از این تعریف که در مورد خدمات کتابخانه صدق می‌کند یا به‌صورتی معنادار به آن مربوط است، محدود کنیم. هرچند گسترش دامنه دید به فعالیت‌هایی که در بیرون از کتابخانه انجام می‌شود به‌سادگی امکان‌پذیر نیست و معلوم نیست حد و مرزها کجا باید باشد (۲).

به‌هرحال ارائه یک تعریف رسمی و دقیق از کتابداری و اطلاع‌رسانی کار آسانی نیست و تعیین حد و مرز دقیق بین این حوزه با دیگر حوزه‌های دانش به طوری که دقیقاً مشخص شود چه زمانی ما از مرز کتابداری و اطلاع‌رسانی خارج می‌شویم، دست‌یافتنی نبوده و ضرورتی هم ندارد؛ اما چیزی که برای ما اهمیت اساسی دارد، تعیین ماهیت

و وجوه مشخصه‌ای است که این حوزه از دانش را از دیگر حوزه‌ها متمایز و به‌عنوان رشته‌ای مجزا نمایان ساخته است.

از نظر ساراسویک، علم اطلاع‌رسانی سه مشخصه کلی دارد که ترجیح‌بند تحول و حیات آن هستند. برخی رشته‌های جدید دیگر هم این ویژگی‌ها را دارا هستند. این مشخصه‌ها را همچنین می‌توان به‌عنوان حوزه‌هایی تلقی کرد که علم اطلاع‌رسانی با آنها در سطح کلی سروکار دارد و عبارت‌اند از:

روابط میان‌رشته‌ای: اول اینکه علم اطلاع‌رسانی ماهیتاً میان‌رشته‌ای است. با اینکه روابط با حوزه‌های مختلف در حال دگرگونی است، اما مفهوم میان‌رشته‌ای همچنان ادامه دارد. روابط میان‌رشته‌ای در تعاریف کتابداری ضعیف‌تر از اطلاع‌رسانی بود.

ارتباط با فناوری اطلاعات: دوم آنکه علم اطلاع‌رسانی ارتباطی تنگاتنگ با فناوری اطلاعات دارد. در این مورد هم کتابداری ضعیف‌تر از اطلاع‌رسانی بود.

سوم، علم اطلاع‌رسانی دوشادوش برخی رشته‌های دیگر، عاملی فعال در تحول جامعه اطلاعاتی است. علم اطلاع‌رسانی ابعاد انسانی و اجتماعی قوی، بالاتر و فراتر از فناوری دارد (۱۲: ۵۱)؛

اطلاعات به‌عنوان درون‌مایه علم اطلاع‌رسانی: حری آنجا که علم اطلاع‌رسانی را علمی مربوط به بررسی گردآوری، ذخیره و بازبایی، و توزیع و اشاعه اطلاعات، تعریف کرده، یادآوری می‌کند این علم مانند هر علم دیگری دارای درون‌مایه و موضوع مشخصی است که به سبب آن از سایر علوم متمایز

می‌گردد و مرزها و دادوستدهای آن را با دیگر حوزه‌ها روشن می‌کند. همان‌گونه که «جامعه» موضوع جامعه‌شناسی است، «روان» موضوع روان‌شناسی، و «زبان» موضوع زبان‌شناسی. از نظر حری، درون‌مایه علم اطلاع‌رسانی هم در معنای عام آن «اطلاع» یا «اطلاعات» است. به عبارتی وی معتقد است مطالعه برای شناخت اطلاعات، تعیین چارچوب و تشخیص ابعاد و وجوه آن، وجه مشخصه علم اطلاع‌رسانی است و حتی واژه «اطلاع‌شناسی» را ابداع کرده است (۹: ۱۷-۱۸).

دو وجه عملی و نظری: در تعریف علم کتابداری و اطلاع‌رسانی بر دو وجه عملی و نظری تأکید شده است. وجه عملی همان وظایف و کارهای اجرایی جمع‌آوری، ذخیره، سازماندهی، بازیابی و اشاعه اطلاعات است که از عناصر کلاسیک تعریف رسمی و الگوی آشکار در کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند. از نظر حری، یکی از تفاوت‌های حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی با برخی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی جنبه‌های عملی یا زمینه‌های کاربردی^{۲۰} آن است (۱۰).

ابروشته: یکی از ویژگی‌های الگوی نهان علم اطلاع‌رسانی و کتابداری تفاوت این حوزه با رشته‌های متداول دانشگاهی است. البته آموزش و پرورش و روزنامه‌نگاری و ارتباطات هم از این جهت، مانند کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند. این حوزه‌ها را می‌توان ابررشته نامید. ابررشته‌ها علاقه‌مند به محتوای موضوعی تمامی رشته‌های معمول هستند، اما محتوای موضوعی آنها شکل و ساختار

اطلاعات است.

به طور خلاصه محصولات مدرکی فعالیت انسانی، خود جهانی شایسته مطالعه را شکل می‌دهند و مطالعه آن جهان و اینکه چطور انسان‌ها این اطلاعات را تولید، جست‌وجو، و بازیابی کرده و از آن استفاده می‌کنند، حوزه فکری و وجه مشخصه علم اطلاع‌رسانی است (۴: ۱۳۶).

نتیجه‌گیری

چنانچه بخواهیم به قول باکلند از تعریف چرخه‌وار کتابداری به‌عنوان فراهم‌آوری خدمات کتابخانه، خارج شویم باید ویژگی‌های این علم را بررسی کنیم و آن را به کتابخانه محدود نکنیم. باکلند عقیده دارد اگر قرار باشد تعریفی رسمی‌تر از مأموریت خود ارائه دهیم در آن صورت تعریف «پشتیبانی از دسترسی به دانش عمومی» احتمالاً به هدف ما نزدیک‌تر به نظر می‌رسد، به شرط آنکه درک شود که این مأموریت، بیشتر مشخصه خدمات کتابخانه است تا منحصر به آن. اگر فعالیتی به هیچ طریق ارتباطی با درک، تسهیل یا بهبود دسترسی به دانش مضبوط نداشته باشد، احتمالاً نباید به‌عنوان بخشی از کتابداری به حساب آید (۲: ۴۴-۵۴).

رویکردهای مبتنی بر فناوری به طور غیرمستقیم بر روی نظریه‌ها و اسم‌گذاری هم تأثیرگذار بوده است و سبب شده مفهوم اطلاعات یا علم اطلاع‌رسانی به جای کتاب و کتابداری رواج پیدا کند. برای مثال در مطالعه و بررسی نام‌گذاری کنونی «علوم کتابداری

و اطلاع‌رسانی» باید به الگوهای آموزشی ایالات متحده اشاره بکنیم. الگوهای آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی به میزان قابل توجهی از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند. در امریکا، در طول زمان دو الگوی آموزشی تکامل یافت که ساراسویک آنها را الگوهای شرایی و سالتونی می‌نامد. شرا و سالتون پیشگام این دو رویکرد آموزشی بودند. الگوی سالتون، که یک دانشمند علوم رایانه و پدر بازیابی اطلاعات نوین بود، رویکردی آزمایشگاهی و پژوهشی نسبت به آموزش بود و منجر به این شد که آموزش بازیابی اطلاعات، تخصص، و پیوستاری در آموزش علوم رایانه شود. نقطه قوت این رویکرد پایه و زمینه قوی ریاضی و جنبه پژوهشی آن بود. اما چیزی که برای ما اهمیت دارد و هدف ما از ارائه این مقدمات است، اشاره به الگوی شرایی، رئیس اسطوره‌ای مدرسه کتابداری دانشگاه کیس وسترن رزرو از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ است. او در راه‌اندازی مرکز پژوهش‌های سندداری و ارتباطات در سال ۱۹۵۵ بسیار مؤثر بود و پس از شروع برنامه درسی این مدرسه، به ارائه درس‌هایی به نام «جست‌وجوی ماشینی متون»، که بعدها با نام بازیابی اطلاعات معروف شد، و تعدادی درس‌های پیشرفته دیگر در زمینه اطلاع‌رسانی پرداخت. رویکرد اصلی وی در ارائه این درس‌ها عمدتاً الحاق این درس‌ها به برنامه درسی مدرسه، بدون اصلاح کلی درس‌های هسته بود. بنابراین، علم اطلاع‌رسانی یکی از حوزه‌های تخصصی علم کتابداری گردید. درس‌های اصلی یا پایه‌ای که دانشجویان انتخاب می‌کردند در

برنامه آموزش سنتی کتابداری برجای ماند و آموزش علم اطلاع‌رسانی ضمیمه‌ای بر علم کتابداری شد و تلاشی برای انشقاق علم اطلاع‌رسانی به‌عنوان برنامه درسی جدا و مدرکی مستقل صورت نگرفت و مدارس کتابداری امریکا و سایر کشورها الگوی شرا را پذیرفتند. نام‌گذاری کنونی «علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی» از الگوی مذکور گرفته شده است (۱۲: ۷۶-۷۸).

انتقال تأکید از کتاب در کتابداری به اطلاعات در علم اطلاع‌رسانی مشخص است. البته در طول سال‌ها کتاب، نقش اساسی در انتقال اطلاعات ایفا کرده است و به یقین کانون توجه کتابداری بوده است؛ اما با ارائه اطلاعات علمی و فنی در قالب‌های مختلف در قرن بیستم، زمینه علمی جدیدی در خارج از رشته کتابداری توسعه یافت. این زمینه نوظهور علمی در اروپا به «سندداری» معروف شد. تمرکز سندداری بر خلق، سازماندهی، و اشاعه اطلاعات در همه قالب‌ها و محمل‌های اطلاعاتی قرار داشت و سازمان‌های مهمی مانند فدراسیون بین‌المللی سندداری و همتای امریکایی آن، مؤسسه سندداری امریکا، که امروز انجمن علم اطلاعات امریکا نام دارد، نیز برای ترویج این فن به وجود آمدند (۵: ۲۸-۲۹). امروزه، تعریف حجمی کتاب با توجه به تحولات، معنای خود را از دست داده است و تعریف اسلامی کتاب به معنای مکتوب، یعنی آنچه نوشته شده و مضبوط است، جای آن را گرفته است و اگر نوشتن را به معنای عام کلمه در نظر بگیریم، کتاب هر گونه مضمونی است که بر محملی ثبت و

ضبط شده باشد (۱۱: ۶۵).

حری در موقعیت‌های مختلف در مورد مفاهیم کتابداری و اطلاع‌رسانی و تفاوت‌ها و تشابهات آن نظرات ظاهراً متفاوتی ارائه نموده است. یکبار از قول شرا اطلاع‌رسان را کتابداری می‌داند که کار خود را خوب انجام دهد، بار دیگر اطلاع‌رسانی را یکی از وظایف و قسمت‌های کتابداری می‌داند، در جایی دیگر لزوم اضافه شدن عبارت «و اطلاع‌رسانی» را در ضرورت تحول از کتابداری به علوم اطلاع‌رسانی می‌داند، اما در نهایت معتقد است رسالت اصلی این حوزه با نام‌گذاری عوض نمی‌شود.

هرچند تعاریف نسبتاً متفاوتی از کتابداری، سندداری، و اطلاع‌رسانی به عمل آمده است و برخی پژوهشگران تفاوت‌ها و تشابهات آنها را مورد مذاقه قرار داده‌اند، چیزی که روشن است این نکته است که چنانچه با یک رویکرد تاریخی و معرفت‌شناختی به این حوزه نگاه کنیم آنها را در طول هم خواهیم دید و نه در عرض و مقابل هم. هرچند ممکن است تأکید هر یک از این مفاهیم و گستره و دامنه آنها تفاوت‌هایی هم داشته باشد که البته این نکته هم با وجود تغییر در شرایط، زمان، و فناوری قابل تبیین است. در بررسی پیدایش و گسترش کتابخانه‌ها و خدمات آنها به استفاده‌کنندگان مفهوم کتابداری جانشین کتاب‌بانی شد که قبل از آن وجود داشت. تاریخ پیدایش سندداری ممکن است کاملاً به تاریخچه کتابداری متصل نباشد، اما در همان راستا به وجود آمده و علی‌رغم موضوعات خاصی که سندداری بر آن تأکید دارد، رسالت

آنها یکی است، اطلاع‌رسانی یا علم اطلاعات زمانی به وجود آمد که کتابداری حالت سنتی داشت و بیشتر بر ارائه خدمات کتابخانه‌ای در چارچوب یک کتابخانه خاص تأکید داشت، این واژه ابتدا با عنوان «دانشمند اطلاع‌رسانی» ظهور یافت و به کسانی اطلاق می‌شد که پژوهشگران و دانشمندان دیگر را در دست‌یابی به منابع اطلاعاتی و روند پژوهش یاری می‌کردند. اطلاع‌رسانی شکل نوین و روزآمد شده همان کتابداری سنتی است. در کل می‌توان گفت که تحول در نام‌گذاری از کتابداری به سندداری و علم اطلاع‌رسانی به برداشت‌های در حال تغییر از هدف، ساختار، کانون توجه و محتوای این حوزه برمی‌گردد و این نکته‌ای است که در تاریخ علم به عنوان «تغییر پارادایم» برای پژوهشگران حوزه‌های مختلف شناخته شده است، یعنی هنگامی که نظریه غالب یک حوزه، پاسخ‌گوی مسائل مطرح شده در آن حوزه خاص نباشد، الگوی جدید ظهور می‌یابد و این دقیقاً همان کاری است که در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی روی داده است. هنگامی که الگوی غالب در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی هماهنگی بالایی با مفاهیم عصر اطلاعات، جامعه اطلاعاتی، اقتصاد اطلاعات، و مفاهیمی از این قبیل دارد، مفهوم اطلاعات در عنوان این حوزه یعنی «علم اطلاعات» نمود می‌یابد. چه بسا که تغییر در پارادایم‌ها از اطلاعات به دانش، و ظهور مفاهیمی مانند جامعه دانایی‌محور، مدیریت دانش، اقتصاد مبتنی بر دانش، و بالا رفتن بسامد این واژه، اصطلاح دانش‌شناسی را که در ایران نضج یافته، به‌عنوان اصطلاح

غالب در آینده معرفی کند.

منابع

۱. ابرامی، هوشنگ. *شناختی از دانش‌شناسی (علوم کتابداری و دانش‌رسانی)*. به کوشش رحمت‌الله فتاحی، تهران: کتابدار، ۱۳۷۹.
۲. باکلند، مایکل کیبل. *خدمات کتابخانه در نظریه و عمل*. ترجمه مرتضی کوبی. تهران: چاپار، ۱۳۸۴.
۳. بورکو، هارولد. «دانش اطلاع‌رسانی چیست؟». ترجمه حسین دانشی، پرویز مهاجر. *نشریه فنی مرکز مدارک علمی*، دوره اول، ۱ (مهر ۱۳۵۱): ۲-۸.
۴. بیتس، مارسیا. «بخش نامرئی علم اطلاع‌رسانی». ترجمه علیرضا بهمن‌آبادی. در *مبانی تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱-۱۴۲.
۵. رایین، ریچارد ای. *مبانی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ترجمه مهدی خادمیان. مشهد: کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۸۳.
۶. ریوارد، دلیو. «اظهارنظریه‌هایی درباره تاریخ و تاریخ‌نگاری علم اطلاع‌رسانی». ترجمه حسین مختاری معمار. در *مبانی تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی، تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۱، ص ۲۴۹-۲۷۹. نقل در Machlup, F.; Mansfield, U. (Eds). *The study of information: Interdisciplinary messages*. New York: Wily, 1983.
۷. حری، عباس. «اطلاع‌رسانی اصطلاحی نو با مضمونی کهن». *دانشمند (ویژه‌نامه اطلاعات)*، دوره بیست و هشتم، ۴۱ (تابستان ۱۳۶۹).
۸. همو. *اطلاع‌رسانی: نظام‌ها و فرایندها*. تهران:

نشر کتابدار، ۱۳۸۵.

۹. همو. *اطلاع‌رسانی: نگرش‌ها و پژوهش‌ها*. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۵.
۱۰. همو. «تقریرات کلاسی درس سیبرنتیک». پایان‌نامه دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۵.
۱۱. همو. *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی*. تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، نشر کتابخانه، ۱۳۷۲.
۱۲. ساراسویک، تفکو. «علم اطلاع‌رسانی». ترجمه علیرضا بهمن‌آبادی. در *مبانی تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۱.
۱۳. سامرز، رون، و دیگران. «علم اطلاع‌رسانی در سال ۲۰۱۰ دیدگاه دانشگاه لافبرو». ترجمه علیرضا بهمن‌آبادی. در *مبانی تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵-۱۹۲.
۱۴. سلطانی، پوری؛ راستین، فرودین. *دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی فارسی، انگلیسی و انگلیسی، فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۹.
۱۵. شاپیرو، فردر. «تاریخچه کاربرد و تکامل اصطلاح علم اطلاع‌رسانی». ترجمه علی اصغر شیری. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، دوره اول، ۳ (بهار ۱۳۷۷): ۷۹-۸۲.
۱۶. کرایست، جان. *مبانی فلسفه کتابداری آموزشی*. ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
۱۷. کینن، استلا. *فرهنگ فشرده کتابداری و اطلاع‌رسانی*. ترجمه و تدوین فاطمه اسدی کرگانی. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۷۸.
۱۸. مزینانی، علی. *کتابخانه و کتابداری*. تهران:

24. Bottle, R. T. "Information science". In Feather, John; Struges, Paul (Eds.). *International encyclopedia of information and library science*. London, New York: Routledge, 2003, pp. 295-297.

25. Butler, P. *An introduction to library science*. Chicago: University of Chicago Press, 1933.

26. Saracevic, Tefko. "Information science". *Journal of American Society for Information Science*, Vol.50, No.12 (1999): 1051- 1063.

27. Schrader, A.M. "In search of a name: information science and its conceptual antecedents". *Library and Information Science Research*, No.6 (Jul.-Sep. 1984): 227- 271.

28. Ibid. *Toward a theory of library and information science*. 2Vols. Ann, Arbor: University Microfilm International, 1983.

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹.

۱۹. موکهرجی، اک. *تاریخ و فلسفه کتابداری*. ترجمه اسدالله آزاد. تهران: کتابدار، ۱۳۸۲.

۲۰. ویکری، برایان؛ ویکری، الینا. *علم اطلاع‌رسانی در نظریه و عمل*. ترجمه عبدالحسین فرج‌پهلوی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۲.

۲۱. یورلند، بیرگر. «بنیادهای فلسفی، نظری و عملی کتابداری و اطلاع‌رسانی». ترجمه عبدالحسین آذرنگ. *در میانی تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی*. به کوشش علیرضا بهمن‌آبادی. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۱، ص ۱-۴۸.

22. Bates, Marcia J. "The invisible substrate of information science". *Journal of the American Society for Information Science*, Vol.50, No.12 (1999): 1043-1050.

23. Borko, Harold. "Information science, What is it?". *The Journal of American Society for Information Science*, No.19 (1968): 3- 5.

تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/۸/۱۹

